

## تفسیر آیات ۲۰ الی ۲۵ سوره روم:

ترجمه:

آیه ۲۰: از نشانه های او این است که ما را از خاک آفرید، سپس انسان هایی شدید و در روی زمین انتشار یافتید.

آیه ۲۱: و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خود شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

آیه ۲۲: و از آیات آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان های و رنگهای شماست، در این نشانه هائی است برای عالمان.

آیه ۲۳: و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره گیری از فضل پروردگار در این امور نشانه هایی است برای آنانکه گوش شنوا دارند.

آیه ۲۴: و از آیات او این است که برق را به شما نشان می دهد که هم مایه ترس است و هم امید و از آسمانی آبی فرو می فرستد که زمین را بعد از مردن به وسیله آن زنده می کند، در این نشانه هایی است برای جمعیتی که عقل خود را به کار می گیرند.

آیه ۲۵: و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست سپس هنگامی که شما را از زمین فرا می خواند ناگهان همه خارج می شوید (و در صحنه محشر حضور می یابید).

**تفسیر:**

آیات خدا در آفاق و انفس:

این آیات نکات جالبی از آیات و دلائل توحید و نشانه های پروردگار را در نضان عالم هستی بازگو می کند، این آیات که همه با تعبیر من ایاته (یکی از نشانه های خدا...) آغاز می شود و آهنگ مخصوص و لحن گیرایی دارد قابل توجه آنکه آیاتی که با این جمله شروع می شوند در قرآن ۱۱ آیه بیش نیست که هفت ایه آن در همین سوره روم است و دو آیه در سوره فصلت و دو آیه در سوره شوری و مجموع این ۱۱ آیه حقاً یک دور کامل

قرآن در اینجا نخست به سراغ آفرینش انسان که اولین و مهمترین موهبت الهی بر اوست می رود و می گوید:

یکی از نشانه های او است که شما را از خاک آفریده، شما انسانهایی شدید که در روی زمین منتشر گشتید.

در این آیه و نشانه های عظمت الهی اشاره شده: یکی آفرینش انسان از خاک - دیگر تکثیر انسان و انتشار فرزندان آدم بوده. که اگر انتشار او نبود به روی زمین از بین می رفت و نسل او برچیده می شد.

راستی خاک کجا و انسانی با این ظرافت کجا؟ اگر پرده های ظریف چشم که از برگ گل هم لطیفتر و حساستر و ظریفتر است، همچنین سلول های فوق العاده حساس و ظریف مغز را در کنار خاک بگذاریم و با هم مقایسه کنیم آنگاه می فهمیم که آفریدگار جهان چه قدرت عجیبی به کار گرفته. آنکس که در چنین موجود مرده ای که کم ارزش ترین موجودات محسوب می شد چنان موجود زنده شگرفی بیافرید شایسته هرگونه ستایش بر این قدرت و علم و دانش بی حساب است. «فتبارک الله احسن الخالقین»

قابل توجه اینکه کلمه «اذا» در زبان عربی در مورد امور ناگهانی به کار می رود، ذکر این تعبیر در اینجا ممکن است اشاره به آن باشد که خداوند آنچنان قدرت تکثیر مثل به آدم داد

که در مدتی کوتاه ناگهان نسل او در سراسر زمین منتشر شد و در جامعه متشکل انسانی را به وجود آورد.

در ایه دوم از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً در میان همه انسانها عموماً، نیاز به یک کشش جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می کند در این آیات نشانه هایی است برای افرادی که تفکر می کنند. جالب اینکه قرآن در این مورد هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پرمعنی «دلسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در سوره اعراف نیز آمد و از این جا می توان نتیجه گرفت که پشت پا زدن به این سنت الهی وجود را ناقص می دارد، چرا که یک مرحله نکاملی متوقف شده، به هر حال این آرامش و سکونت هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و هم از جنبه فردی و هم اجتماعی است. و اما مسأله «مودت» و «رحمت» در حقیقت «ملاط» و «چسب» مصالح ساختمانی جامعه انسانی است.

چرا جامعه از فرد فرد انسانها تشکیل شده است. همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگی تشکیل می گردد. اگر این افراد پراکنده با هم ارتباط پیدا نکند «جامعه» یا «ساختمانی» به وجود نخواهد آمد. آنکس که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده این پیوند و ربط ضروری را نیز ایجاد کرده است.

البته آیه مودت و رحمت را میان دو همسر بیان می کند و این احتمال نیز وجود دارد که ولی این احتمال که تعبیر (بینکم) اشاره به همه انسانها باشد، که دو همسر از مصادیق بارز آن بیان می شود و در اصل جامعه بدون مودت و رحمت امکان پذیر نیست، و از میان رفتن این دو پیوند و حتی ضعف و کمبود آن مایه هزاران بدبختی و اضطراب اجتماعی است. آخرین ایه مورد بحث معجونی از آیات آفاق و انفس است نخست به خلقت آسمانها و زمین اشاره کرده می گوید: از نشانه های بزرگ خدا آفرینش آسمان ها و زمین است. آسمان ها با آن

همه کرامت، با آن همه منظومه ها و کهکشان ها، آسمانهایی که اندیشه بلندپرواز انسان از درک عظمت آن عاجز است. یک روز بود که انسان کواکب آسمان ها را همین می دانستند که با چشم دیده می شود. اما هر قدر تلسکوپ های قوی و عظیمتر ساخته شد عظمت و کثرت ستارگان آسمان فزونتر گردید و تنها خدا می داند که در همه کهکشانها که تعداد آنها بر هیچ کس روشن نیست چند ستاره وجود دارد.

البته این احتمال نیز وجود دارد که اختلاف السنه به معنی اختلاف زبانها و اختلاف رنگها اشاره به اختلاف نژادها و رنگهاست. ولی می توان معنی وسیعی از کلمه «اختلاف» استفاده کرد که شاما تفسیر و به هر معنی این تنوع خلقت شاهد عظمت و قدرت اوست. قرآن در پایان ایه فوق می گوید در این امور نشانه هائی است برای عالمان و اندیشمندان. چرا که آنها بیشتر از هر کس از این اسرار آگاه می شوند.

باز هم نشانه های عظمت او در برون و درون:

از آیات او خواب شما در شب و روز است، و نیز تلاش و کوشش شما برای بهره گیری از فضل پروردگار و تامین نیازمندیهای زندگی و درپایان می افزاید: «و در این امور آیات و نشانه هایی برای آنهایی که گوش شنوا دارد». این حقیقت بر هیچ کس پوشیده نیست که همه موجودات زنده برای تجدید نیرو و به دست آوردن آمادگی لازم برای ادامه کار و فعالیت نیاز به استراحت دارند، استراحتی که به طور الزامی به سراغ آن ها بیاید، و حتی افراد پرتلاش و یا حریص را ناگزیر به انجام آن سازد. این موهبت بزرگ الهی سبب می شود که جسم و روح انسان به اصطلاح سرویس شود، و یا بروز حالت خواب که یک نوع وقفه و تعطیل کار بدن است آرامش و رفع خستگی حاصل گردد، و انسان حیات و نشاط و نیروی تازه یا پیدا کند. مسلماً اگر خواب نبود روح و جسم انسان بسیار زود پژمرده و فرسوده می

شد و بسیار زود پیری و شکستگی به سراغ او می آمد، به همین دلیل خواب متناسب و آرام راز سلامت و طول عمر و دوام و نشاط جوانی است.

بدون شک برنامه اصلی خواب مربوط به شب است، و شب به خاطر آرامشی که از تاریکی پدید می آید و اولویت خاصی در این مورد دارد.

نیاز جسم و روح انسان به خواب به اندازه ای زیاد است که توانایی و تحمل انسان در برابری بی خوابی بسیار کم است و از چند شبانه روز تجاوز نمی کند، به همین جهت جلوگیری از خواب همیشه به عنوان یکی از دردناکترین شکنجه ها نزد جباران و طاغوتیان شناخته شده است.

آیه بعد پنجمین قسمت از آیات عظمت خدا بیان یم کند که باز به سراغ آیات آفاقی می رود، و مسئله باران و رعد و برق و حیات زمین را پس از مرگ مورد توجه قرار داده می گوید: «از نشانه ها خدا این است که برق را مایه ترس است هم به امید، به شما نشان می دهد.

ترس از خطرات ناشی از برق که گاه به صورت «صاعقه» درمی آید و هرچیز را در حوزه آن قرار گیرد آتش می زند و خاکستر م کند و امید از نظر نزول باران که غالباً بعد از رعد و برق به صورت رگبار فرو یم ریزد. سپس می افزایش زمین خشک و سوزانی که بوی مرگ از تمام آن به مشام می رسد بعد از نزول چند باران حیات بخش آن چنان جان می گیرد و زنده می شود و آثار حیات به صورت گلها و گیاهان آنها هستند که می فهمند ندر این برنامه حساب شده دست قدرتی در کار است که آن را رهبری و هدایت می کند و هرگز نمی تواند معلول تصادفها و ضرورتهای کور و کر باشد. یعنی نه تنها آفرینش آسمانها که در آیات قبل به آنها اشاره شد آیتی است که برپائی و ادامه نظام آنها نیز آیتی دیگر می باشد چه اینکه این اجرام عظیم در گردش منظم خود احتیاج به امور زیادی دارد که مهمترین آنها محاسبه پیچیده تعادل نیروی جاذبه و دافعه است.

و به تعبیر دیگر آیه گذشته اشاره به توحید خلقت ما بود و این آیه اشاره به توحید ربوبیت و تدبیر است. تعبیر به قیام و برپائی آسمان و زمین، تعبیر لطیفی است که از حالات انسان گرفته شده. چرا که بهترین حالات انسان برای ادامه فعالیت ها حالت قیام است که قادر بر انجام همه حوائج خود می باشد و تسلط کامل بر اطراف خویش دارد. تعبیر به امر در اینجا اشاره به نهایت قدرت پروردگار است که برای ادامه حیات و نظم این جهان پهناور تنها یک فرمان او کافی است.

و در پایان آیه با استفاده از زمینه بودن توحید برای معاد بحث را به این مسئله منتقل ساخته می فرماید:

سپس هنگامی که شما را از زمین فرایم خواند ناگهان همه خارج می شوید.

تعبیر به دعاکم اشاره به این است که برای تدبیر و نظم جهان یک فرمان او کافی است و برای بعثت و نشور و رستاخیز نیز یک دعوت او کفایت می کند، مخصوصاً با توجه به جمله «اذا استقر تخرجون» که «اذا» در آن به اصطلاح برای «مناجاه» است و روشن می سازد که به یک دعوت او همه ناگهان بیرون می ریزند. ضمناً تعبیر «دعوه من الارض» نشانه روشنی بر معاد جسمانی است که انسان در رستاخیز از این زمین فراخوانده می شود.

نکته: یک درو کامل درس خداشناسی: از آفرینش آسمان ها گرفته تا آفرینش انسان از خاک، از پویند محبت خانوادگی گرفته تا خواب آرام بخش در شب و روز. از تدبیر نظام و جهان بالا گرفته تا برق آسمان و نزول باران و اختلاف زبان ها و رنگ ها یعنی مجموعه مناسبی از آیات آفاقی و انفسی.

## آیت و نشانه ها

۱- شگفتیهای عالم خواب

۲- انسان از خاک آفریده شده و منتشر شده

- ۳- همسرانی از جنس خودشان برای انتشار
- ۴- مودت و رحمت برای برقراری ارتباط
- ۵- آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ ها
- ۶- آیات خدا در آفاق و انفس
- ۷- خواب در شبانه روز
- ۸- تلاش در روز برای بهره گیری از فضل خدا
- ۹- استراحت در شب پس از فعالیت
- ۱۰- رعد و برق که هم نفع دارد و هم ترس و هم امید
- ۱۱- زنده شدن زمین مرده
- ۱۲- برپائی آسمان ها و زمین به حکم او
- ۱۳- قیامت و زندگی دوباره
- ۱۴- فرستادن باران برای حی شدن انسان و زمین مرده
- ۱۵- زندگی انسان پس از مردن او در روز قیامت
- ۱۶- ایجاد نسل از ازدواج
- ۱۷- آمدن در شب برای انتشار نسل و فعالیت دوباره روز

### منبع:

کتاب تفسیر نمونه - سوره روم - نویسنده: مکارم شیرازی

تهیه کنندگان:

راحله س - مینا ص - فاطمه ع

بعد از بیان قسمتی دیگر از دلائل توحید و معاد در آیات گذشته به ذکر دلیلی بر نفی شرک به صورت بیان یک مثال پرداخته می گوید (خداوند مثالی از خودتان برای شما زده است (ضرب لکم مثلاً من انفسکم) و آن مثال این است که اگر بردگان و مملوکهایی در اختیار باشد (ایا این مملوکهایتان هرگز شریک شما در روزیهای که به شما داده ایم می باشند) وقتی در مورد بردگانتان که (ملک حجازی) شما هستند این چنین امری را نادرست و غلط می دانید چگونه مخلوقات را که ملک حقیقی خدا هستند شریک او می پندارند یا پیامبرانی همچون مسیح، یا فرشتگان خدا، یا مخلوقاتی همچون جن و یا بتهای سنگی و چوبی را شرکاء خدا می شمرید؟ این چه قضاوت زشت و دور از منطقی است.

بعضی از مفسران گفته اند که این آیه ناظر به سخنی که مشرکان قریش به هنگام مراسم حج و گفتن (لبیک) ذکر می کردند چرا که آنها می گفتند

لبیک اللهم لاشریک لک الاشریکا هولک تملکه و ما مک! که محتوای آن این بود (خداوند تو شریکی داری که مالک او هستی و مالک املاک او)

تعبیر به (ما رزقناکم) اشاره به این نکته است که شما نه مالک واقعی این بردگان هستید و نه مالک واقعی امواتان چرا که همه از آن خدا است اما با این حال حاضر نیستید اموال مجازی خود را به مملوکهای حجازی خود واگذار کنید و آنها را شریک خود شمارید در حالی که از نظر تکوینی مشکل و محالی لازم نیم اید. زیرا سخن در محور اعتباریات دور یم زند.

و در دنباله آیه برای تاکید بر دقت هرچه بیشتر بر مضمون این سوال می فرماید: این گونه آیات خود را برای افراید که تعقل می کنند تشریح می کنیم (کذلک نفصل الایات لقوم تعقلون) آری با ذکر مثال های روشن از متن زندگی خود شما حقایق را بازگو می کنیم تا اندیشه خود را به کار اندازید و لااقل چیزی را که حتی برای خود نمی پسندید برای پروردگار جهان قائل نشوید.



مفهوم جمله دوم یعنی دادن زکات و انفاق کردن در راه خدا که موجب اجر و پاداش فراوان می باشد روشن است ولی در مورد جمله اول با توجه به اینکه ربا در اصل به معنی افزایش است تفسیرهای گوناگونی گفته اند

بنابراین مراد از ربا در این آیه همان (هدیه و عطیه) است و منظور از جمله ٢(الیربوا فی اموال الناس) گرفتن پاداش بیشتر از مردم است.

در حدیثی که در کتاب (تذهیب الاحکام) از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق نقل شده چنین می خوانیم هوهدلتک الی الرجل تطلب منه الثواب افضل منها فذلک ربی یوکل منظور هدیه ای است که به دیگری می پردازی و هدفت یان است که بیشتر از آن پاداش دهد این ربای طلال است.

بدیهی است در این گونه هدایا نه استحقاق طرف در نظر گرفته می شود و نه شایستگیها و اولویتها بلکه تمام توجه به این است که این هدیه به جایی داده شود که بتواند مبلغ بیشتری را صید کند و طبیعی است اینچنین هدایا که جنبه اخلاص در آن نیست از نظر اخلاقی و معنوی فاقد ارزش می باشد.

آیه بعد در حقیقت اشاره یا است به کل مطالبی که در این سوره بیان شد می فرماید (ما بریا مردم در این قرآن از هرگونه مثالی بیان کردیم (وعد و وعید، امر و نهی، بشارت و انذار، آیات آفاقی و انفسی دلائل مبدء و معاد و اخبار غیبی و خلاصه از هر چیز که در نفوس انسان ها ممکن است اثر مثبت بگذارد بیانی داشتیم) و لقد ضربنا لناس فی هذا القرآن من کل مثل) در حقیقت قرآن بطور کلی و سوره روم که اکنون در مراحل پایان آن هستیم بالخصوص مجموعه ای است از مسائل بیدارکننده برای هر قشر و گروه و برای هر طرز فکر و عقیده

مجموعه ای است از درس های عبرت، مسائل اخلاقی، برنامه های علمی، امور اعتقادی به گونه ای که از تمام طرق ممکن برای نفوذ در فکر انسان ها و دعوتشان به راه سعادت استفاده شده است و لی با این حال گروهی هستند که هیچیک از این امور در قلوب تاریک و سیاهشان اثر نمی گذارد (لذا هر ایه و نشانه ای از حق برای آنها بیاوری باز این گروه کافران می گویند شما اهل باطل هستید و اینها اموری است بی اساس (و لئن جئتهم بآیه ليقولن الذین كفروا وَاَن اَنْتُمْ اِلَّا مَبْطُلُونَ)

تعبیر به «مبطلون» تعبیر جامعی است که همه برچسبها و نسبتها ناروای مشرکان را در بر می گیرد نسبت دروغ سحر جنون افسانه های خرافی و اساطیر که هرکدام چهره یا از چهره های باطل متهم می ساختند تا چند روزی مردم پاکدل را به وسیله آن اغفال کنند. مخاطب در «انتم» (شما) ممکن است پیامبر و مومنان راستین باشند و ممکن است همه طرفداران حق و تمام انبیا و پیشوایان الهی چرا که این دسته از کنار لجوج با کل طرفداران این مکتب مخالف بودند.